



غدیر، حلقه‌ی مفقوده پیوند «مذهب» و «فرهنگ ملی» ایران

غدیر در ایران حلقه‌ای است که سنت‌های مذهبی را به فرهنگ ملی پیوند می‌زند و هویت جمعی ایرانیان را در کثرت و وحدت متجلی می‌سازد.

غدیر در ایران حلقه‌ای است که سنت‌های مذهبی را به فرهنگ ملی پیوند می‌زند و هویت جمعی ایرانیان را در کثرت و وحدت متجلی می‌سازد.

به گزارش خبرنگار مهر، عید غدیر و آیین‌های مرسوم در این روز، از دیرباز جایگاهی ویژه، ممتاز و عمیق در زیست بوم فرهنگی و تاریخی ایران داشته است. این روز، فراتر از یک مناسبت صرفاً تقویمی یا مباحث الهیاتی محض، به یکی از ستون‌های اصلی هویت جمعی و پیوند عمیق ملت ایران با مفهوم «ولایت» تبدیل شده است؛ مفهومی که در فرهنگ ایرانی نه تنها به عنوان پایه‌ی دینی، بلکه به عنوان نمادی از هدایت، عدالت و پیوند آسمانی و زمینی شناخته می‌شود. در این میان، بزرگداشت سادات و منتسبان به اهل بیت (ع) در روز غدیر، چنان در ژن فرهنگی و اجتماعی ایرانیان ریشه دوانده که به یک رسم ملی مبتنی بر احترام، همدلی و گره زدن شادی‌های جمعی با برکت این خاندان مبدل گشته است. دیدارها، صلوات خوانی‌ها، اطعام‌ها و جشن‌های محلی در این روز، همگی گواهی بر آن دارند که غدیر برای ایرانیان، روز تجدید میثاق ملی-مذهبی و پاسداشت یک الگوی بی‌بدیل از رهبری در تاریخ تمدن اسلامی است.

«سینا کلهر»، مشاور وزیر ورزش و جوانان، پیرامون پدیده «مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر» در مقاله‌ای این رویداد عظیم میدانی را نه به عنوان یک اتفاق اجتماعی ناگهانی، مقطعی و مجرد، بلکه در امتداد یک جریان تاریخی و جامعه‌شناختی ریشه‌دار خوانده است. کلهر در این تحلیل، با قاطعیت تأکید می‌کند که مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر، ادامه‌ی همان سنت دیرینه‌ی ایرانیان در پاسداشت مناسبت‌های سرنوشت‌ساز مذهبی و ملی است.

بر اساس این تحلیل جامعه‌شناختی، رویدادهایی چون پیاده‌روی عظیم اربعین، شور و حماسه‌ی عزاداری‌های ماه محرم و صفر، خلوت معنوی اعتکاف، و حتی شوری که در جشن‌های ملی و باستانی مانند نوروز، سیزده بدر و روز طبیعت در رگ‌های جامعه می‌دود، همگی در یک راستا و از یک جنس هستند و یک «پیوستار فرهنگی» را تشکیل می‌دهند. این رویدادها نقاط عطفی در تقویم زیست‌ای ایرانیان هستند که مجال‌ی برای «دوباره جمع شدن» و تجربه‌ی «جمع بودن» فراهم می‌آورند تا از آلام و رنج‌های ناشی از گسست‌های اجتماعی کاسته شود.

نکته‌ی قابل تأمل و کلیدی این روایت، تقابل آن با «کلان‌روایت‌های رسانه‌ای انشقاق» است. برخلاف نظریه‌های سیاست‌زده و تصویرسازی‌هایی که مدام از یک جامعه دوقطبی، تکه‌تکه شده و دارای شکاف‌های عمیق سخن می‌گویند، واقعیت میدان نشان می‌دهد که جامعه ایران با وجود تمام دعوایها، تکرر آرا و تلاطم‌های اجتماعی و سیاسی دهه‌های اخیر (به ویژه از میانه دهه هفتاد به بعد)، هرگز آن نخ نامرئی اتصال را گم نکرده است. گویی فرهنگ و هویتی در لایه‌های زیرین جامعه وجود دارد که می‌تواند با وجود مناقشات، انسجام‌یابد و در موقعیت‌های خاص، این یکپارچگی را به منصف ظهور برساند.

در این میان، تحلیل کلهر از «چگونگی» بروز این وحدت در غدیر بسیار راهگشاست. او معتقد است از منظر کارکردی، تفاوت بنیادینی میان اجتماع غدیر و عزاداری‌های امام حسین (ع) یا مناسک اربعین وجود ندارد؛ هر دو نشان‌دهنده وجه جمع‌گرای جامعه ایران هستند. اما تفاوت در «مود رویداد» است. جامعه ایران که تجربه تاریخی عزاداری جمعی را در کارنامه دارد، این بار همان روح جمعی و اراده‌ی ملت بودن را در قالب «جشن و شادی» متجلی کرد. هرچند این ظرفیت در نیمه شعبان نیز وجود دارد، اما به دلیل عدم ظهور عمومی و تظاهراتی گسترده، این راهپیمایی و جشن غدیر بود که وجه خاص بودگی یافت و تجربه‌ی شکوهمند اعلام صلح و بازسازی جامعه را در کالبدی از سرور رقم زد.

علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین ابعاد این مقاله، ردّ تلاش‌ها برای مصادره این رویداد است. جریان‌ات و گروه‌های مختلفی همواره تلاش می‌کنند پدیده‌های مردمی را به گفتمان، طبقه یا جریان سیاسی خاصی تقلیل دهند. اما تصاویر و شواهد عینی مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر، نشان‌دهنده «کثرت در عین وحدت» حول محور امیرالمؤمنین (ع) بود. حضور تمام گروه‌ها و اقشار و بی‌توجهی عمومی به جوسازی‌ها و تفاسیر انحرافی رسانه‌ای، ثابت کرد که این آیین متعلق به همه‌ی ملت است و هرگونه بهره‌برداری سیاسی تنگ‌نظرانه، با ماهیت عینی و واقعی این پدیده در تضاد است.

در نهایت این تحلیل، پیوند زدن این رویداد عظیم به «جامعه‌شناسی کلان‌شهرها» و به ویژه تهران است. کلهر اشاره می‌کند که

در کلان شهرهای امروز، پدیده هایی چون مهاجرت، بزرگ شدن شهر، آپارتمان نشینی، اجاره نشینی و از بین رفتن محله ها، سازوکارهای سنتی همسایگی را دچار زوال کرده و فردگرایی را تشدید نموده است. در چنین بستری که نهادهای محلی از همسایه داری و گرد هم آوردن افراد ناتوان شده اند، اجتماعات دینی-فرهنگی با ایستگاه های جذاب، هیئات فرهنگی، فرهنگ نذری، اطعام و پویش هایی مانند «هدیه اسباب بازی»، به مثابه یک «اثر اجتماعی» و «مودت جمعی» عمل می کنند.

این مقاله به این نتیجه می رسد که فرهنگ نذری و اطعام، نه تنها از زوال نهادهای قدیمی می کاهد، بلکه قدرتمندترین سپر در برابر آسیب های فردگرایی مدرن است. همان طور که گردهمایی های عظیم دهه اول محرم، نوعی واکنش ناخودآگاه جامعه به از میان رفتن محله ها و تعاملات سنتی همسایگی است، مهمانی غدیر نیز این فرصت را فراهم می کند که انسان های گسسته ی کلان شهر، در مقیاسی کلان تر و در بستر «شهر» و فضاهای عمومی، دور هم جمع شوند. در شرایطی که شاید احیای محلات به شکل سنتی گذشته ناممکن به نظر برسد، این رویدادهای بزرگ دینی و فرهنگی، بستری حیاتی برای تمرین وفاق جمعی، ترمیم پیوندهای اجتماعی و احیای ارتباطات انسانی در مقیاس یک کلان شهر فراهم می آورند و ثابت می کنند که ملت ایران، همچنان راهی برای «با هم بودن» می یابد.